

مدیریت دانش مدیریت دانایی یا مدیریت اندخته های علمی (به انگلیسی: knowledge management-km) به معنای در دسترس قرار دادن نظام مند اطلاعات و اندوخته های علمی است. به گونه ای که به هنگام نیاز در اختیار افرادی که نیازمند آنها هستند قرار گیرند تا آنها بتوانند کار روزمره خود را با بازدهی بیشتر و موثرتر انجام دهند. مدیریت دانش شامل یک سری استراتژی و راهکار برای شناسایی ایجاد نمایندگی پخش و تطبیق بینش ها و تجارب در سازمان می باشد. برنامه اجرایی مدیریت اندوخته های علمی براین دو جزء اصلی بنا می شود.

زبان فارسی تا به حال اصطلاحات مدیریت دانش برای knowledge management متداول بوده است در زبان انگلیسی میان science و knowledge تفاوت وجود دارد. knowledge به تمامی آگاهی ها ومهارتهایی گفته می شود که از آزمایش و آموزش به دست آمده است. درحالیکه science به کوشش عملی وهوشمندانه ای گفته می شود که از راه مشاهده وآزمایش به مطالعه منظم رفتار وساختار جهان طبیعی و دیدنی می پردازد (فرهنگ لغت آکسفورد) بنابراین واژه دانش را به جای knowledge واژه دانشگری را به جای science می توان پیشنهاد کرد.

دراین متن به جای استفاده از واژه دانش در مقابل knowledge گاهی از واژ دانایی استفاده شده است . البته واژه دانایی معانی خاص خودش را درحوزه های گوناگون دیگر همچون فلسفه روانشناسی وجامعه شناسی نیز داراست . ازآنجا که تحقیقات کاربردی در حوزه مدیریت دانایی نسبتا جدید است در این خصوص تعریف خاص و دقیقی که مورد قبول محققین قرار گیرد وجود ندارد. آنچه مسلم است آن که توان با آشنایی با تعاریف گوناگون ابعاد ومصادیق این امر را بیشتر ساخت وآن را بهتر به کار گرفت

مدیریت دانش یعنی مدیریت فعالیت های دانشی مدیریت دانش یعنی مدیریت اذهان ومستندات .مدیریت دانش فراتر از انجام فعالیت های دانشی است. مدیریت دانش لایه ای فراتر از فعالیت های دانشی بوده و متمرکز براهداف و راهبردهایی است که فعالیت های خلق اشتراک بهره برداری و.....فعالیتهای دانشی هستند که باید مدیریت شوند. به عنوان مثال اشتراک دانش جز مدیریت دانش نیست بلکه موضوع مدیریت دانش است. نقش مدیریت دانش بهبود اشتراک دانش است. نه انجام آن

مدیریت دانش مدیریت طیف وسیعی از فعالیتهای است که برای مبادله خلق یا ارتقای سرمایه های فکری درسطح کلان به کار می رود. مدیریت دانش طراحی هوشمندانه فرایند ها ابزار ساختار وغیره با قصر افزایش نوسازی اشتراک یا بهبود استفاده از دانش است که درهرکدام ازسه عنصر سرمایه فکری یعنی ساختاری انسانی و اجتماعی نمایان می شود. مدیریت دانش فرایندی است که به سازمانها کمک می کند تا اطلاعات و مهارتهای مهم را که بعنوان حافظه سازمانی محسوب می شود وبه طور معمول به صورت سازماندهی نشده وجود دارند شناسایی انتخاب سازماندهی ومنتشر نمایند. این امر مدیریت برنامه ریزی راهبردی و تصمیم گیریهای پویا به صورت کارا و موثر قادر می سازد . علل پیدایش مدیریت دانش:

۱- دگرگونی مدل کسب و کار صنعتی که سرمایه های یک سازمان اساسا سرمایه های قابل لمس و مالی بودند (امکان تولید ماشین زمین و غیره) به سمت سازمانهایی که دارایی اصلی آنها غیر قابل لمس بوده و با دانش خبرگی توانایی و مدیریت برای خلاقیت سازی کارکنان آنها گره خورده است.

۱- افزایش فوق العاده حجم اطلاعات ذخیره الکترونیکی آن و افزایش دسترسی به اطلاعات به کلی ارزش دانش را افزوده است. زیرا فقط از طریق دانش است که این اطلاعات ارزش پیدا میکند دانش همچنین ارزش بالایی پیدا می کند. زیرا به اقدام نزدیک تر است. اطلاعات به خودی خود تصمیم ایجاد نمی کند بلکه تبدیل اطلاعات به دانش مبتنی بر انسان ها است که به تصمیم و بنابراین به اقدام می انجامد.

۳- تغییر هرم سنی جمعیت و ویژگیهای جمعیت شناختی که فقط در منابع کمی به آن اشاره شده است. بسیاری از سازمانها دریافته اند که حجم زیادی از دانش مهم آنها در آستانه بازنشستگی است. این آگاهی فزاینده وجود دارد که اگر اندازه گیری و اقدام مناسب انجام نشود قسمت عمده این دانش و خبرگی حیاتی به سادگی از سازمان خارج می شود.

۴- تخصصی تر شدن فعالیتها نیز ممکن است خطر از دست رفتن دانش سازمانی و خبرگی به واسطه انتقال یا اخراج کارکنان را به همراه داشته باشد.

در بدو امر به مدیریت دانش فقط از بعد فناوری نگاه می شد و آن را یک فناوری می پنداشتند. اما به تدریج سازمانها دریافتند که برای استفاده واقعی از مهارت کارکنان چیزی ماورای مدیریت اطلاعات مورد نیاز است. انسانها در مقابل بعد فناوری و الکترونیکی در مرکز توسعه اجرا و موفقیت مدیریت دانش قرار می گیرند و همین عامل انسانی وجه تمایز مدیریت دانش از مفاهیم مشابهی چون مدیریت اطلاعات است. در کل مدیریت دانش را می توان از دیدگاه های مختلفی دسته بندی و نسل بندی کرد. به عنوان مثال اگر همگرایی میان مدیریت دانش و مدیریت فناوری را معیار قرار دهیم به نسل هایی از مدیریت دانش همچون مدیریت دانش سنتی مدیریت دانش اجتماعی مدیریت دانش معنایی و مدیریت دانش هوشمند می رسیم.

اما در این نوشتار معیار دسته بندی انواع مدیریت دانش را مقیاس و حجم پروژه های مدیریت دانش در نظر میگیریم.

از این دیدگاه

سه نوع مدیریت دانش وجود دارد

مدیریت دانش بزرگ big km : مدیریت دانش بزرگ درباره برنامه های مدیریت دانش در مقیاس بنگاه اقتصادی است که بایک استراتژی بالا به پایین شروع می شود و به دنبال دستیابی به دورترین نقاط یک سازمان می باشد مدیریت دانش کوچک (little km) این نوع مدیریت دانش درباره کاربرد سریع روش های مدیریت دانش برای مساعل کسب و کار به طریقی است که موجب ایجاد درک و حس شود مدیریت دانش

شخصی personal km : این مدیریت دانش درباره توسعه آگاهانه منش ها و عادت ها برای شناسایی مکان یابی و پردازش دانش و اتصالات شخصی است. مدیریت کلان جعت کآمدی زیر سیستم های خود می بایست ماهیت اصول وابعاد مدیریت دانش را بشناسد . راهبردهایی که ماهیت و توانایی متفاوت مدیران را منعکس می نماید عبادتنداز:

۱-راهبرد دانش بعنوان راهبرد کسب وکار که روشی جامع و با وسعت سازمانی برای مدیریت دانش است که بیشتر بعنوان یک محصول درنظر گرفته می شود.

۲-راهبرد مدیریت سرمایه های فکری که بربرکارجیری وارتقای سرمایه هایی که از قبل در سازمان وجود دارند تاکید دارد

۳-راهبرد مسئولیت برای سرمایه دانش فردی که ازکارکنان حمایت و آنها را ترغیب می کند تا مهارت ها و دانش خود را توسعه دهند و دانش خود را با یکدیگر درمیان گذارند.

۴-راهبرد خلق دانش که برنوآوری وآفرینش دانش جدید از طریق واحدهای تحقیق و توسعه تاکید می کند.

۵-راهبرد انتقال دانش که بعنوان بهترین فعالیت در بهبود کیفیت امور و کارایی سازمان مورد توجه قرار گرفته است.

۶-راهبرد دانش مشتری -محور که باهدف درک ارباب رجوع ونیازهای آنها بکارگرفته می شود تاخواسته آنها به دقت فراهم شود.